

بهار ننگین

به استقبال از یک شعر مرحوم جناب سرور گویا اعتمادی :

بهار لاله زار بی مقدمت ما را چه کار آید
تو گر آئی، چمن آید، بهشت آید، بهار آید
که برای بازگشت اعلیحضرت از یک سفر معالجه به خارج، سروده بود.

چمن ماتم سرا گردید و گویند نو بهار آید
نروید گل در این گلشن نروید لاله در صحرا
به اشک غم بشویم دشت و دامان شهیدان را
اسیر ظلمتم ایدوست مخوان مارا تو روشنفکر
بهار بی گل و بلبل نمی دانم چه کار آید
که جائی آب در رود، خون اندر جویبار آید
مگر در آخرت این قوم ما را رویدار آید
وطن را این زمان از نام روشن فکر عار آید
بزن زخم دگر دشمن، اسیرم تا ز پا افتم
سری بی شور آزادی مرا آخر چه کار آید

{{{{{{{{{{{{{{}}}}}}}}}}}}